

سبک از تباط



تحميل کرونا برای دورافتادگان از خانواده سخت‌تر است

آنان دل‌تنگ شهر و دیار خویش‌اند

■ مرضیه بامیری

حدود یک سال و نیم قبل، خیر آمد یک ویروس از مبدأ چین به سوی تمام کشورها با سرعت زیاد در حال سفر است. خیلی زود مرزها را درورد وید و همه جا دسفر کرد. حتی دوردست‌ترین روستاهای جهان هم از شر این ویروس در امان نماندند و تیسری از غیب مبتلایشان کرد. ولی این ویروس قصد جهانگردی داشت. از چین به انگلیس رفت. به هند به آفریقا به برزیل و... هر روز یک ورژن جدید از کرونا را برای مردمان سرزمین‌های دیگر به ارمغان آورد. حالا هم هشدار ویروس آفریقایی که نسبت به رقبایش قوی‌تر و کشنده‌تر است دهان به دهان می‌چرخد و گاهی بی‌رحمانه جان می‌ستاند. وقتی به ویروس جهانگرد فکر کردم به نظرم آمد گزارشی با موضوع سفر کرده‌ها بنویسم. آنهایی که به هر دلیلی خانه و کاشانه خود را ترک و به شهرهای دیگر نقل مکان کرده‌اند. غربت و دوری از خانواده اجدای خودبه‌خود انگیز تمیز است اما این غربت در این شرایط خاص کرونایی آندوهبار تر از همیشه جلوه کرد، چرا که محدودیت تردد داشتیم و نمی‌توانستیم به راحتی سفر کنیم و یسه دیدار والدین برویم. خیلی‌ها در این ایام متوجه شدند مهاجرت کردن به شهر دیگر و دور شدن والدین و فامیل چقدر سخت است. آنچه می‌خوانید واگویی تهران نشینانی است که سال‌ها قبل از شهرن و دیار مادری خود مهاجرت کرده و به تهران آمده‌اند.

■ پدرم در تنهایی از دست رفت

–علی کاظمی/متولد خوزستان
من هیچ‌وقت تا این اندازه به بدی‌های غربت فکر نکرده بودم. تا حالا پیش نیامده بود که ارژن کم کاش هیچ‌وقت از شهرم بیرون نیامده بودم و دل به غربت نمی‌دادم. اما امسال کرونا پایلی سرطان آورد که روزی هزار بار خود را لعنت می‌کنم که چرا از سرزمین مادری‌ام رفتم و خود و خانواده‌ام را آواره غربت و تنهایی کردم.

امسال پدرم در اوج مظلومیت مبتلا به کرونا شد. هیچ کدام از خواهر و برادرها در شهر نبودیم. یعنی هر کدام یک جای کشور بودیم و مشغول زندگی خودمان. یک شب مادرم تماس گرفت و خبر داد که پدرم مبتلا و در

سبک‌بندی‌گر (۱۳)

■ حسین سیرواقمت*

وَازْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيكُمْ بِالذَّعَاءِ فِى أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ لَسَلَامَاتِ بِنَظَرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا بِاللَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ.
بِحَبِطِهِمْ إِذَا تَأَخَّرُوا وَبِلَيْبِهِمْ إِذَا تَأَوَّدُوا وَبِسُجُوبِ لَيْبِهِمْ إِذَا دَعَوْهُ

«و دست‌های خود را در اوقات نماز به دعا بلند کنید که آن هنگام بهترین ساعت‌هاست. خدا در این ساعات با رحمت به سوی بندگانش نظر می‌فرماید، هر گاه او در مناجات نمایند جواب می‌دهد و هر گاه او را ندا کنند لیبیک می‌گوید و هر گاه او را بخوانند اجابت می‌کند.»
وقت نماز شگفت زمانی است. گاه سخن گفتن بنده است با خدای خویش و مناجات انسان با خالق که از او برتر و بالاترین است. جز این وقت نماز وقت آرامش و امتحان نیز است، وقت محک زدن ایمان شیعه.

امام صادق (ع) فرمودند: «شیعیان مسا را وقت نماز امتحان کنید که چگونه برای اوقات نماز خویش دفعه و محافظت می‌کنند. (بحار الانوار، جلد ۴۴، صفحه ۳۹۱)
هیچ دیده‌ای عاشق چگونه انتظار می‌کشد تا وعده دیدار معشوق فرآ برسد و به دیدار یار نائل آید. در این فراز خطبه پیامبر(ص) ترسیم زیبا و بدیع دیگری از اوقات نماز می‌کند. وقت نماز ساعتی است که خدا مهربانانه به دیدار بنده‌اش می‌شتابد و از سر لطف و مهر به این نظر می‌کند.

بعضی از اهل عرفان می‌گویند در بهشت خدا هر چند انواع و اقسام نعمت‌ها فراهم است اما نعمتی دیگر هست که از حور و قصور و باغ و بستان و عیش مدام به

بیمارستان بستری شده است. دلم لرزید و می‌خواستم هر طور شده پرواز کنم و خودم را به بالینش برسانم. ولی محدودیت تردد بود. از طرفی وضع شهر قرمز بود و من اجازه ورود به شهر خودمان را نداشتم. آن روزها بدترین روزهای عمرم بود. پدرم سه فرزند داشت که فکر می‌کرد یک روز عصای دستش می‌شوند ولی درست وقتی چشم انتظار ما بود هیچ کدام نبودیم و تنها و غریب راهی سفرش کردیم. هر چند روز بعد خودمان را به هر قیمتی بود رساندیم ولی دیگر فایده‌ای نداشت و حسرت این دیدار تا آخرین روز عمر ما من خواهد ماند. خیلی روز بدی بود و تلخ‌تر اینکه مجبور شدیم مادرم را با آن داغ بزرگ تنها بگذاریم. مادرم هم مبتلا شد ولی کمی بهترتر. تمام مدت در قرنطینه تنها بود و ما از دور حسرت خوردیم که کاش کنارش بودیم و برایش کاری می‌کردیم.

■ مبتلا شدیم و هیچ آشنایی نبود کمکمان کند

–هستی مهدوی/متولد مازندران
اوایل زمستان من و همسرم مبتلا به کرونا شدیم و حالمان خیلی بد شد. مجبور شدیم در خانه قرنطینه شویم و تنها بودن و مراقبت از فرزند خردسالمان مصیبت بزرگی بود که هیچ وقت از یاد نخواهم برد. در حالی که من و همسرم حالمان بد بود دختر کوچکم که اتفاقاً وابستگی زیادی به من داشت در پذیرایی خانه بود و کنترل او کار سختی بود. آنقدر به او فکر می‌کردم که درد خودم فراموش می‌شد. بارها خود را لعنت کردم که چرا از شمال آمدم و خودم را آواره شهر غریب کردم. اگر کنار خانواده‌ام بودم یکی بسود از دخترم مراقبت کند. یکی بود برایمان سوپ گرم می‌آورد و با حداقل از بین پنجره احوالمان را بپرسد ولی ما درد غربی‌مان سخت‌تر از کرونا بود و مدت قرنطینه برایمان اندازه یک قرن گذشت. در همان اتاق تصمیم گرفتیم اگر کرونا رفتی و او آرش به همه جا بازگشت، ما هم کمی جدی‌تر به بازگشت فکر کنیم. دوست ندارم مادم تنها بماند و حسرت بزرگ شدن و قد کشیدن کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ به دلش بماند.

■ کاش نیامده بودم

–رضا جباری/متولد زنجان
به دلیل نبودن کار در شهرمان بعد از اتمام دوره سرپازی به تهران آمدم و مشغول کار شدم. اوایل در محل کار می‌خوابیدم. کم‌کم پولی پس انداز کردم و خوابگاه و

بعد هم یک خانه مجردی. از آن روز سال‌ها می‌گذرد و من هنوز پیشیمانم چرابرای یافتن کار در شهر خودمان صبوری و تلاش بیشتری نکردم؟ چرا آنقدر راحت به غربت تن دادم و یک عمر خود را از لذت حضور کنار والدین محروم کردم. او می‌گوید به‌ظاهر من که در تهران زندگی می‌کنم اوضاع مالی بهتر و زندگی موقی دارم ولی در واقع این من و خانواده‌ام هستیم که مدام حسرت دوره می‌انها را می‌خوریم. جایمان هر شب جمعه خانه پدرم خالی است. آنها وقت کافی دارند تا از وجود پدر و مادر لذت ببرند اما ما دیال یک تعطیلی هستیم تا شاید یکی دو روز رف دلتنگی کنیم. هیچ چیز در دنیا ارزش بودن کنار خانواده را ندارد. فرصتی که یک بار شامل حالمان می‌شود و بعدها که پدر و مادری در دنیا نیستند فقط حسرت به دلمان می‌ماند که ای کاش بیشتر کنارشان بودیم.

■ ما که غریبیم تنهایی را بیشتر حس می‌کنیم

–ژوانه مرادی/متولد شیراز
وقتی به همسرم بله گفتم و به عقدش در آمدم خانه پدری را ترک کردم و به تهران آمدم. همسرم مهندس و شغلش در تهران بود. به همین دلیل من هم همراهش آمدم و الان سال‌هاست اینجا تنها و غریب زندگی می‌کنیم. روزهای تعطیل اهالی ساختمان محل سکونت‌مان به خانه پدر و مادر یا اقوام می‌روند و من و فرزندانم تنها ساکنان آنجاییم که هفته به هفته جایی می‌نهمانی می‌رویم و نه مهمان داریم. البته در این ایام کرونایی رفت و آمدها کمتر شده است با این حال ما که در شهر غریب هستیم و فامیل نداریم این تنهایی را بیشتر حس می‌کنیم. گاهی بچه‌ها خیلی حوصله‌شان سر می‌رود و لذت دورهمی را نمی‌توانم با خرید و بیرون رفتن جبران کنم. آن روزها که جوان‌تر بودیم دنبال یک زندگی بهتر و ارتقای شغلی و موفقیت‌های بزرگ بودیم ولی حالا که به خیلی از آنها رسیده‌ام بیچاره می‌خواهد کنار خانواده‌هایمان باشیم و بیشتر به آنها سر بزیم. تمام این سال‌ها جای ما در دورهمی‌های خانوادگی خالی بوده و بچه‌ها این لذت بزرگ را از دست داده‌اند.

■ ا کاش مادرم کنارم بود

–زینب نبوی/متولد اصفهان
دلم می‌خواهد فقط یک بسار دیگر فرصت پیدا کنم در شهر خودم زندگی کنم و دورهمی خانوادگی را از سر بگیرم. مادرم در خانه‌اش روی همه باز است و کار

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱



اگر قصد هجرت دارید به تمام جوانب این دل‌کنندن بیندیشید و اگر آدم احساساتی هستید و مهر خانواده برایتان در اولویت است، یا اگر برایتان مهم‌است فرزندتان با امکانات کمتر ولی قلبی شادتر و روحیه‌ای پر نشاط رشد کند، هرگز دل به غربت ندهید و رنج کمبودها را به جان‌بخرد تا حسرت یک دیدار ساده آخر هفته به دلتان نماند

خیلی‌ها را راه انداخته است. مثلاً دخترخاله‌ام برای گذراندن دوره ارشد فرزندش را پیش مادرم می‌گذاشت و خیال راحت درسش را می‌خواند. یا آن یکی خواهرم که کنار مادرم در یک شهر است هر وقت اراده می‌کند پیش مادر می‌رود و خوش به زندگی و درس و کارش می‌رسد ولی من اینجا غریبم. حتی جرئت ندارم دلتنگ شوم. چون اگر خسته شوم و به غار تنهایی پناه ببرم همسر و فرزندم بدون شام می‌مانند. من گاهی به شدت خسته می‌شوم. ارژو می‌کنم کاش مادرم کنارم بود. فرزندم را پیش او می‌گذاشتم و کسی با خود خلوت می‌کردم. اگر مادرم کنارم بود من درس را ادامه می‌دادم و مجبور نمی‌شدم از شغلی که دوست‌اش داشتم در این شرایط بد اقتصادی استعفا بدهم.

تنهایی درد بزرگی است. این غربت زن‌ها را بیشتر آزار می‌دهد تا مردها را. مردها بیشتر در محل و کار و اجتماع هستند و وقت کمتری برای دلتنگی دارند ولی ما زن‌ها مدام با یقه سر و کلم می‌زنیم و چهار دیواری خانه بیشتر دلتنگمان می‌کند. روزهای تعطیل همیشه چشمم به در است که یکی از شهرستان‌ها بیاید. حالا هم که کرونا سفر را تعطیل کرد و پدر و مادرم می‌سالی است به خنمان نیامده‌اند. اگر از من بپرسید هیچ دلیلی ارزش ترک دیار را ندارد. وقتی کنار خانواده باشی حال دلت خوش‌تر است و بار خیلی از مسئولیت‌ها سبک‌تر می‌شود. من می‌خواهم برای فرزند دوم اقدام کنم ولی هر بار به تنهایی و مشکلات دوره بارداری فکر می‌کنم از تصمیمم پیشمان می‌شوم. در حالی که اگر کنار خانواده‌ام بودم با آرامش خاطر دوباره مادر می‌شدم.

■ غم غربت را به سادگی به جان نخرید

اینها روایت تلخ آدمی در مهاجرت در تن شرایط بد کرونایی بود. شاید به خیلی خواسته‌هایمان رسیده باشند شاید ارتقای شغلی بیابند. یا هنرمند قبلی شوند ولی همیشه یک درد تنهایی کنج دلشان است و یک حسرت تمام عمر وجودشان را می‌آزارد. کاش اگر قصد هجرت دارید به تمام جوانب این دل‌کندن بیندیشید و اگر آدم احساساتی هستید و مهر خانواده برایتان در اولویت است، یا اگر برایتان مهم‌است فرزندتان با امکانات کمتر ولی قلبی شادتر و روحیه‌ای پر نشاط رشد کند، هرگز دل به غربت ندهید و رنج کمبودها را به جان‌بخردید تا حسرت یک دیدار ساده آخر هفته به دلتان نماند.

سبک تحصیل



آیا گرفتن مدرک دکتری به هزینه و زحمتش می‌ارزد؟

یک عمر تلاش سخت برای دکتر شدن!

دانشجویان دکتری خارجی نمود پیدا می‌کنند. دانشجویان خارجی تحمل بیشتری در برابر شرایط کاری نامطلوب‌تر دارند و عرضه کار خارجی ارزان و ماهرانه نیز سطح دستمزدها را پایین نگه می‌دارد.

طرفداران مدرک دکتری استدلال می‌کنند این مدرک همچنان ارزشش را دارد، حتی اگر به اشتغال آکادمیک دائمی منجر نشود. اینطور زمان ثبت‌نام به مدرک دکتری می‌رسند. در حوزه پژوهش‌های صنعتی می‌شوند. این ادعا درست است، اما نرخ ترک تحصیل در این مقطع، بیابانگ آن است که بسیاری از دانشجویان از چنین وضعی ناامید و دل‌سرد شده‌اند. در امریکا فقط ۵۷ درصد دانشجویان دکتری ۱۰ سال پس از زمان ثبت‌نام به مدرک دکتری می‌رسند. در علوم انسانی که غالب دانشجویان برای تحصیل دکتری شهریه پرداخت می‌کنند، این نرخ به ۴۹ درصد می‌رسد.

دانشگاهیان با این پرسش مواجهند که آیا مدرک دکتری در مقایسه با شگفتی‌هایی که در انبوه هنرها و فرهنگ‌های مختلف موجود در جهان، انتظارشان را می‌کشد، ارزش دارد؟ آنها بر این باورند که دانش از دانشگاه‌ها به جامعه سرشار می‌شود و جامعه را پربارتر و سالم‌تر می‌کند. شاید این دیدگاه درست باشد اما باز هم گذراندن مقطع دکتری ممکن است انتخاب بدی باشد.

علایح دانشجویانها و دانشگاهیان رسمی، همپوشانی چندانی با علایق دانشجویان دکتری ندارد. دانشجویان درخشان‌تر هر چه بیشتر در دانشگاه‌ها باقی بمانند، برای دانشگاه‌ها بهتر است. دانشجویان تحصیلات تکمیلی باعث کسب امتیازات بیشتر برای دانشگاه و سوابق پژوهشی بیشتر استنادراهنما می‌شوند.دانشگاه‌ها دانشجویان باهوش کارشناسی را دستچین و آنان را به عنوان فارغ‌التحصیلان باقوه آماده می‌کنند. در هفت روز هفته، ۱۰ ساعت در روز، با دستمزد پایین و دورنماهای نامشخص، ویزگی شایع این مقطع است. نالدین دانشجویهای دکتری چیز جدیدی نیست، اما ظاهراً مغضل اصلی در سیستم‌هایی نهفته است که دکتری‌ا پژوهشی – نظری عرضه می‌کنند(دکتری حرفه‌ای – کاربردی در حوزه‌هایی مثل حقوق، تجارت و پزشکی ارزش عینی‌تری دارند). عرضه فارغ‌التحصیلان بیش از اندازه است. مدرک دکتری طراحی شد که افرادی برای مشاغل دانشگاهی تربیت شوند، اما شمار موقعیت‌های کاری دارندگان دکتری هیچ نسبتی با شمار فرصت‌های موجود ندارد. در عین حال، پیشگامان تجارت درباره کمبود مهارت‌های بالا گلایه می‌کنند و می‌گویند مقاطع دکتری چیزهایی را که لازم است آموزش نمی‌دهند.

دانشگاه‌ها در یافته‌اند که دانشجویان دکتری، نیروی کاری ارزان، با انگیزه بالا و قابل‌بگیرین هستند. هر چه دانشجویان دکتری بیشتر باشند، دانشگاه‌ها می‌توانند پژوهش‌های بیشتری انجام دهند و در پاره‌ای از کشورها این افزایش به معنای کادر آموزشی بیشتر با حقوق کمتر است. در سال‌های اخیر، دانشجویان دکتری و بر سنل قرار دادی معروف به «فوق دکتری» – که یک دانشجو آن را «ورم کردن زنده دانشگاه‌ها» توصیف می‌کنند – بیشتر پژوهش‌ها را انجام می‌دهند. در حوزه مدارک فوق دکتری نیز با عرضه بیش از حد مواجهیم.

این لشکر پژوهشگران دکتری و فوق دکتری با دستمزد پایین، توان پژوهشی دانشگاه‌ها و به تبع آن، ظرفیت پژوهشی کشور را تقویت می‌کند، اما این امر همیشه چیز خوبی نیست. وقتی رسوم از فروپاشی یک قرار داد ناوشته میان دانشگاه‌ها و دانشجویان دوره دکتری: دستمزدی خجالت‌آور در حال حاضر، برای یک شغل دانشگاهی خوب درآینده.

در پاره‌ای کشورها، همچون بریتانیا و امریکا دستمزد ناچیز و دورنمای شغلی نامطمئن، در

■ تلخیص: حسین گل محمدی

گرفتن مدرک دکتری در رشته‌ای دانشگاهی کار توان‌فرسایی است که تا مدتی پیش ظاهراً به زحمتش می‌ارزید. منزلت اجتماعی بالا، درآمد خوب و شغلی مطمئن در دانشگاه و سوسه‌کننده بود، اما این روزها سختی‌های این دوره تحصیلی طولانی‌باقی مانده است، اما خبری از مزایایش نیست. هر ساله لشکری از دکنترهای بیچار از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند بدون آنکه چشم‌انداز اطمینان‌بخشی جلویشان باشد. شاید باید این دوره را کنار بگذاریم و روش‌های دیگری را برای تحصیلات پیشرفته امتحان کنیم. ■ ■ ■

در بیشتر کشورها مدرک دکتری یکی از ملزومات اصلی برای اشتغال در دانشگاه است. این مدرک مقدمه‌ای است برای قدم گذاشتن در جهانی از پژوهش‌های مستقل. تز دکتری شاهرکار فکری‌هر فرداست. محصل کار دانشجو در همکاری نزدیک با استاد راهنمایش، پیش‌نیازهای اخذ مدرک دکتری در کشورها، دانشگاهها و حتی در تبه‌های مختلف تفاوت‌های زیادی با هم دارد. بعضی از دانشجویان، نخست دو سال را صرف کار روی مدرک یا دیدلم دوره فوق‌لیسانس می‌کنند. بعضی از آنان حقوقی دریافت می‌کنند و برخی دیگر در این راه باید پول هم بدهند. بعضی دانشجویان دکتری فقط به پژوهش مشغول می‌شوند و بعضی مکلفند کلاس‌ها و آزمون‌هایی را هم بگذرانند و بعضی این مزایم می‌شوند به دانشجویان مقاطع پایین‌تر تدریس کنند. متسن یک تز در ریاضیات ممکن است چند ده صفحه باشد و در تاریخ، بیشتر از صدها صفحه و تازه فارغ‌التحصیلان این مقطع استند که در حوالی ۲۰سالگی شان باشند یا جان‌به‌لبرسیدگانی بالای ۴۰ سال.

یکی دیگر از چیزهایی که بسیاری از دانشجویان دکتری در آن مشترکند، نارضایتی است. بعضی از کارها عنوان فارغ‌التحصیلان باقوه آماده می‌کنند. در هفت روز هفته، ۱۰ ساعت در روز، با دستمزد پایین و دورنماهای نامشخص، ویزگی شایع این مقطع است. نالدین دانشجویهای دکتری چیز جدیدی نیست، اما ظاهراً مغضل اصلی در سیستم‌هایی نهفته است که دکتری‌ا پژوهشی – نظری عرضه می‌کنند(دکتری حرفه‌ای – کاربردی در حوزه‌هایی مثل حقوق، تجارت و پزشکی ارزش عینی‌تری دارند). عرضه فارغ‌التحصیلان بیش از اندازه است. مدرک دکتری طراحی شد که افرادی برای مشاغل دانشگاهی تربیت شوند، اما شمار موقعیت‌های کاری دارندگان دکتری هیچ نسبتی با شمار فرصت‌های موجود ندارد. در عین حال، پیشگامان تجارت درباره کمبود مهارت‌های بالا گلایه می‌کنند و می‌گویند مقاطع دکتری چیزهایی را که لازم است آموزش نمی‌دهند.

دانشگاه‌ها در یافته‌اند که دانشجویان دکتری، نیروی کاری ارزان، با انگیزه بالا و قابل‌بگیرین هستند. هر چه دانشجویان دکتری بیشتر باشند، دانشگاه‌ها می‌توانند پژوهش‌های بیشتری انجام دهند و در پاره‌ای از کشورها این افزایش به معنای کادر آموزشی بیشتر با حقوق کمتر است.

در سال‌های اخیر، دانشجویان دکتری و بر سنل قرار دادی معروف به «فوق دکتری» – که یک دانشجو آن را «ورم کردن زنده دانشگاه‌ها» توصیف می‌کنند – بیشتر پژوهش‌ها را انجام می‌دهند. در حوزه مدارک فوق دکتری نیز با عرضه بیش از حد مواجهیم.

این لشکر پژوهشگران دکتری و فوق دکتری با دستمزد پایین، توان پژوهشی دانشگاه‌ها و به تبع آن، ظرفیت پژوهشی کشور را تقویت می‌کند، اما این امر همیشه چیز خوبی نیست. وقتی رسوم از فروپاشی یک قرار داد ناوشته میان دانشگاه‌ها و دانشجویان دوره دکتری: دستمزدی خجالت‌آور در حال حاضر، برای یک شغل دانشگاهی خوب درآینده.

در پاره‌ای کشورها، همچون بریتانیا و امریکا دستمزد ناچیز و دورنمای شغلی نامطمئن، در